

از این نیک در بیغ ندارد و نظر در آن باید کرد که مؤخر ایشان کسیت
 جز و شلی حاجت نیست تا بوی احسان باید کرد هیچ عالمی
 و برهیز کاری بدخانه این کس خواهی آمد از کجا است که در آن
 زنده و لباس صاحب دولتی نیست **بیت** باشد
 خاکساران جهانر بحقارت **منگ** توجه خوانی که در آن کردی
 و اکثر چنین است که اولیا بحق سبحی و نقلی سرجال خود
 بصورت بی سر پایان میکنند باید که ازان غافل نباش
 ز در پوش آموین چون آفتاب **فهم کن** و الله اعلم بالقول
تایید باید که این معامله غافل نباشد هر که در وصیت و ا
 شده است **الذین امر زعت الاخرة**
 صد سفره پیشکش طالب **باشید یکی دوست** باید بسیار
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند یا علی چون حاجت مندی تو
 روی آورد بر آنکه عنایت است حق را در باره تو باید که

حاجت

حاجت او را روانی خدای تعالی کنایان ترا می نامد ز در فرموده
 یا علی با مرده گمان نشستی حضرت رسول گفتند یا رسول الله
 مرده گمان که اندر رسول علیه السلام گفتند این معنی غفلت
 و توانگر اند بس مؤمنان باید که صحبت فقرا را بر محبت
 مقدم دارند با شققت **بیت** برین توئی که بغنی حزی
 بخیر جان من در ره حضرت **کس** کوی دولت زین منی
 که با خود نصیب بعقبی **بیت** بیان ای طالب هر و شنید
 اگر بر فرود اند که روزه گام راه را ریاضت و مجاهدی بسیار
 گشتن با مرتبه و مقامی رسید اما را ای زمین هم نترس و گشته
 روزه راه لاکه در آن گوشت که خورد را و سپید خالق و خدای
 در دل صاحب دولتی جالند چون بی این طایفه نظر حق او را از آن
 خدمت ترا بکنند که **کریا** **بیت** این شیفته گاه باید از این برود
 و نیز از خواجگان از تقوی سره میسر نموده اند که هر از خدمت

Copyright © Kerman University